

## بیدل شناسی

مروری بر کتاب فیض قدس تألیف استاد خلیل الله خلیلی

محمد ریاض\*

مباش غافل از انداز شعر بیدل ما شنیدنی است نوایی که کم نواخته‌اند و المعانی میرزا عبدالقادر بیدل به درستی شاعر و نویسنده بسیار بزرگ و متفکر عصر بحوریان شبه قاره به حساب می‌آید. علامه محمد اقبال شاعر و نویسنده بزرگ در یک مقاله ممتد خود به زبان انگلیسی اظهار نظر نموده که بیدل بعد از فیلسوف هندوی سده سوم هجری، قرن نهم میلادی شکر آچاریا دومین شخصیت مهم متفکر است که از خاک هیاور شبه قاره برخاسته است. تار و پود کلیات نظم و نثر بیدل با تفکر و ابتکار سخت سرشته شده و سبک وی هم با تقاضای زمان و مکان و شاید با تمایلات شخصی وی سبب و دشوار است. البته مشکل اصلی همانا افکار و نکات نادر است که در کلیاتش به آنها برمی‌خوریم و شاید شاعر خود به این نکته پی برده بود:

ز فرق تا قدم افسون حیرتی بیدل کسی چه شرح کند معنی نکوی تو را  
بیدل در سال ۱۰۵۴ هـ/ ۱۶۴۴ م در حوالی عظیم‌آباد (پتنا، هند) دیده به جهان گشود. یاکانش که متسبب به تیره ترکان ارلاس یا برلاس چغتاییان بوده، مدتی پیش از ساوراء النهر ترکی مقام نموده در جایگاه مزبور سکنی گزیده بودند. بیدل در نتیجه اوضاع خرنج عصر و نابسامانی‌های خانوادگی، در سال ۱۰۷۵ هجری به‌دهلی وارد شد. صرف نظر از سفرهای وی به نقاط مختلف شبه قاره بقیه زندگانی وی در همین شهر سپری گردید و مدفنش همین جاست (م: ۱۱۳۳ هـ/ ۱۷۲۰ م به سن ۷۹ سالگی).

بیدل از حیث شاعر و نویسنده مبدع و همچنین شخص پاکدل و مستغنی مورد احترام معاصران قرار گرفته و حتی پادشاه معاصر محمد اورنگ‌زیب شاه عالمگیر (۱۱۱۹-۱۰۶۸ هـ) هم در رقعات خود به‌سه بیت زیر وی استناد جسته است:

حرص قانع نیست بیدل ورنه اسباب جهان آنچه ما در کار داریم اکثرش در کار نیست

\*

بترس از آه مظلومان که هنگام دعا کردن اجابت از ره حق بهر استقبال می‌آید

\*

من نمی‌گویم زیان کن یا به‌فکر سود باش

ای ز فرصت بی‌خبر در هرچه باشی زودباش

از متأخران نامی شبه قاره، کمتر مورّخی، تذکره‌نویسی یا ناقد ادبی را می‌بینیم که

به‌بیدل توجه ننموده و مقام والایش را نستوده باشد. البته آن‌طور که دکتر نبی هادی استاد دانشگاه علی‌گره در اثر «میرزا بیدل» خود به‌زبان اردو نوشته است: «قدرشناسان واقعی بیدل در افغانستان و تاجیکستان زندگی می‌کنند».

به‌عقیده بیدل کتاب «چار عنصر» دریایی است که هرکه آن را بداند باید از خود تهی شود و بر روی این «چار موج» چهار زانو بنشیند.

ولو انعکاس صیت ذکرش در ایران و سایر نقاط پارسی‌دان و ادب دوست جهان از دیرباز مشهود بوده است.

در بیدل‌شناسی تاکنون آثار ارزنده زیادی به‌زبان دری (فارسی) ارائه گردیده، ولی اکثر آن‌ها محتوی منتخبات نظم و نثر و پاره‌ای از افکار و عقاید وی می‌باشند (راجع به‌احوال عجیب شاعر و نویسنده مبدع به‌فارسی کمتر کسی دست زده است چنین نیازی را اثر شادروان استاد خلیل الله خلیلی (م: ۴ مه ماه ۱۹۸۷ م) موسوم به «فیض قدس» تا حدی مرتفع می‌سازد. این کتاب که دارای ۱۰۲ صفحه در قطع بزرگ می‌باشد. به‌سال ۱۳۳۴ هـ ش/ ۱۹۵۵ م در کابل انتشار یافته بود. «فیض قدس» به «انتخاب» از روی ابجد برابر با عدد ۱۰۵۴ می‌باشد که هردو حاکی از تاریخ ولادت بیدل‌اند. خود شاعر در قطعاتش گفته است:

به سالی که بیدل به ملکِ ظهور  
 ز فیض ازل تافت چون آفتاب  
 بزرگی خبِرداد از مولدش  
 که هم «فیض قدس» است و هم «انتخاب»

«فیض قدس» بیشتر مبتنی بر رساله «چهار عنصر» بیدل است که سخت آمیخته و مزوج به نظم هم می‌باشد. کسانی که به زبان‌های اردو یا انگلیسی هم به‌نگاشتن احوال و کمالات بیدل پرداخته‌اند مانند دکتر عبدالغنی<sup>۱</sup> و شادروان عبادالله اختر<sup>۲</sup> و دکتر نبی هادی، همگی به مطالعه عمیق چهار عنصر پرداخته‌اند. باز هم کتاب «فیض قدس» مرحوم خلیلی دارای مزایای نادر تحقیقات داخلی است و مطالب ضمنی و تبعی این کتاب هم بسیار ارزنده می‌باشد. چنین به نظر می‌رسد که استاد خلیلی تا آن زمان سایر آثار بیدل را از نظر گذرانده بود و کلیات بس قطور نظم و نثر وی را آماده چاپ می‌ساخت. مرتب اصلی این کلیات همانا استاد خلیلی است. کلیات بیدل دارای چهار جلد ضخیم و کلفت در سه هزار نسخه به وسیله وزارت تعلیم (آموزش و پرورش) دولت افغانستان در کابل انتشار یافت: جلد اول در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی جلد دوم و سوم در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی و جلد چهارم در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی نگارش اختتامیه کلیات نوشته استاد خلیلی متعلق به سال ۱۳۴۴ هـ ش/ ۱۳۸۵ هـ ق می‌باشد. سه جلد نخست در نظم و جلد چهارم به نثر آمیخته با نظم می‌باشد. بیدل در نثر سه رساله دارد: چهار عنصر، رقعات (نامه‌های کوتاه) و نکات. چهار عنصر قسمت اعظم جلد چهارم را محتوی است (از ابتدا تا صفحه ۳۴۴). مطالب این کتاب به زندگانی نگارنده دور می‌زند. البته از نظر آمیزش نثر و نظم و تذکره معاصرین و حوادث عجیب و بیان وقایع خارق‌العاده و مدخل‌های سوانح سیاسی و داستان‌ها و همچنین بعضی از مقالات و غیره، این کتاب خواندنی می‌باشد. عبادالله اختر مرحوم در اثر «بیدل» خود به زبان اردو که سه سال پیش از چاپ فیض قدس، به سال ۱۹۵۲ م در لاهور انتشار

۱. نویسنده کتاب روح بیدل، چاپ مجلس ترقی ادب، کلب رود، لاهور.

۲. نویسنده کتاب بیدل، چاپ اداره ثقافت اسلامی، لاهور، چاپ اول ۱۹۵۲ م و چاپ دوم ۱۹۶۱ م.

یافت و استاد خلیلی هم به آن استناد جسته، بعضی از مطالب «چهار عنصر» را به خوبی شرح داده ولی حق آن است که التزام عناوین فرعی استاد خلیلی و بارانش که در متن چاپ شده کابل انجام دادند، این کتاب را آسان‌تر ساخته است. دکتر نبی هادی در تألیف خود نتوانست از «فیض قدس» استفاده بنماید، چون این کتاب را ندیده بود، ولی او زحمات مرتبین کلیات را به‌ویژه کار تبویب رساله «چهار عنصر» را ارج می‌نهد و در توضیح و موضوع این کتاب می‌نویسد:

«در مجموعه نثر بیدل از نظر ضخامت و شهرت رساله چهار عنصر، بیش از رسایل دیگر موجب علاقه خوانندگان واقع می‌شود. رابطه بدن و روح انسان به‌وسیله چهار عنصر استوار است و امتزاج آن‌ها را زندگانی می‌نامیم، لذا میرزا بیدل در بیان کردن وقایع زندگانی خود عنوان مزبور را به‌رساله خود داده است. افتتاح کتاب طبق روش پیشین با حمد و نعت است که صفحات متعدّد را احتوا می‌نماید.»

در قسمت هدف تألیف نگارنده اذعان می‌نماید که اموری را ارائه خواهد داد که در دوران زندگانی با آن‌ها مواجه گردیده یا به‌بعضی از موضوعات خواهد پرداخت که به‌خاطرش احياناً خطور کرده است. نویسنده رساله البته به‌جای اول شخص متکلم اصطلاحات ویژه فاعلی را می‌آورد مانند «این نشئه بی‌خمار خمستان عدم»، و «این نفمه بی‌نوای طربگاه وحدت».

به‌هرحال، مقصود از «چهار عنصر» اجزای چهارگانه ایوان است یعنی آب و آتش و باد و خاک و این‌ها متضمن مختصات متفاوت طبیعی‌اند. بسیاری از شاعران و نویسندگان نظر به‌چهار عنصر درباره مراحل مختلف زندگانی انسانی نکات بدیع عرضه داده‌اند. از آن‌جمله یکی امیر خسرو دهلوی (م: ۷۲۵ هـ) است که از اجزای آب و آتش و باد و خاک طبایع امزجه حرف می‌زند. به‌ویژه در دیباچه‌های دواوین پنج‌گانه خودش. صاحب «فیض قدس» هم در این بابت سخنان شیوا عرضه نموده است:

"چهار عنصر در چهار فصل نگارش یافته و هر عنصر از فصل خاص بحث می‌نماید... هر عنصر به‌عنوان جداگانه آغاز می‌شود و چنانکه عادت بیدل است، هر عنوان با استعارات و تشبیهات آراسته می‌گردد. عنوان عنصرها چنین است: عنصر اول اشتعال شعله مقاله و گرمی‌های صحبت ارباب فضل و کمال. گویا این عنصر ناری است و در آن از اوان کودکی و گرمی صحبت بزرگان و مشایخ طریق بحث می‌کند. عنصر دوم، روائح شکفتگی بهار عالم منظوم. گویا این عنصر بادی است و از شاعری و بدیهه‌سرایی بیدل سخن می‌راند. عنصر سوم طراوت شبنمستان مراتب مثنوی. گویا این عنصر آبی است و از نثرهای بیدل و مقالاتی که در هر مورد نگاشته، ذکر می‌نماید. عنصر چهارم غبار فشانی بساط صورت عجایب است. گویا این عنصر خاکی است و بیدل از هوا و آنچه که در زندگی مشاهده نموده، صحبت می‌کند. به‌عقیده بیدل این کتاب دریایی است که هر که آن را بداند باید از خود تهی شود و بر روی این «چهار موج» چهار زانو بنشیند:

دانش در این محیط ز خود رخت بستن است      بر روی چار موج مرتب نشستن است  
فهمی به‌چار عنصر بیدل گماشتن      از دامگاه شش جهت وهم رستن است"

بیدل بیش از صد هزار بیت سروده و کلیات نثر وی هم از بس قطور است. این امر پرگویی و زودنویسی وی را مبرهن است. چنانچه شواهد در دست داریم که بیدل بعضی از آثار خویش را با سرعت عجیب به‌تمام رسانده بود ولی علی‌رغم روش خود او رساله «چهار عنصر» را متناوباً در ۲۱ سال تکمیل نموده است. این درنگ و تعویق اهمیت این رساله را مؤید است چون نگارنده در جمع و تدوین وقایع و ارائه دادن مطالب تبعی و امتزاج نثر و نظم به‌شیوه مقامه‌نویسان کمال علاقه‌مندی را نشان داده است. کار تألیف «چهار عنصر» در ۴۱ سالگی بیدل در سال ۱۰۹۵ هجری آغاز گردیده و در ۶۲ سالگی مؤلف به‌سال ۱۱۱۶ هجری تمام شده است. چنانکه خواهیم دید صاحب «فیض قدس» با استفاده وافى از نویسندگان معاصر و متأخر بیدل سایر وقایع زندگانی و نقدهای ادبی پیرامون نثر و نظم وی را در اثر ستودنی خود گردآورده و ذاد تحقیق و بررسی داده است.

## سبک نثر بیدل

شعر بیدل اگر مشکل است نثرش از آن مشکل‌تر می‌باشد و مشکلات آثار او از تفکر و هنرنمایی پدیدار می‌باشند. او نویسنده و شاعر سبک مشکل هندی است. در عصر بیدل در این دوره بازگشت ادبی شروع شده بود ولی در خارج از مرکز فارسی از این ویژگی خبری نبود. نثر در آن دوره در ایران هم اصولاً مشکل می‌نوشتند. چنانچه میرزا مهدی منشی استرآبادی که در حدود ربع آخر سده دوازده هجری درگذشت تاریخ جهانگشای نادری و دره نادره را نوشته است که از نظر لفظ و معنی در ردیف عسیرترین و مصنوع‌ترین آثار فارسی قرار می‌گیرند. البته بیدل زیاد به سجع توجه دارد و استاد خلیلی به این شیوه نویسندگی وی توجه خوانندگان را مبذول نموده است. وی از اسجای متوازی و مطرف رساله «چهار عنصر» مثال می‌آورد. ولی متأسفانه صفحه کتاب را ذکر

نموده است - یادآوری این نکته لازم است که این سجع‌ها در جمله‌های کوتاه و طویل در نثر بیدل به‌کار رفته است. نویسنده علاوه بر سجع از استعارات و تشبیهات ویژه ادبی دیگر خود نیز استفاده می‌نماید. سبک کلی نثر بیدل که مثل کتب مقاله‌های فارسی مانند مقامات قاضی حمیدالدین (م: ۵۵۹ ه) و گلستان شیخ اجل سعدی (م: ۶۹۱ ه) آمیزه نثر و

حضرت حقّ جلّ و علا پیغامبر ما  
را صلی الله علیه و سلم به‌صفت  
عالم و عارف نستود بلکه به‌خلق  
عظیم ستایش فرمود. پس خلق از  
معرفت افضل است و کریم از  
عارف اکمل. (از چهار عنصر بیدل)

نظم است، از عبارت اختتامی زیر چهار عنصر مبرهن است که به‌عنوان «فتوحات خست» ۱۹ صفحه کتاب (۱۹۷ تا ۲۱۴) را محتوی است:

کمال معنی انسانی فتوت است یعنی عروج مرتبه اخلاق و نقص آن خست یعنی عدم مروّت و اشفاق. شاهد زندگی را اگر خرام نازی است، قدم بر جاده ایثار سپردن است، و محاسب نفس را اگر فراغ عشرتی است، نقد از کیسه بیرون شمردن. شیوه اخلاق هرچند شایسته احوال عرفاست، اما این‌که جمیع عرفا صاحب فتوت باشند، اندیشه خطا، زیرا که معرفت کسی است و فتوت ذاتی.

در حدیقه نشو و نمای استعداد نخل را به پراکندگی زقوم نتوان کرد، و زقوم را به سعی آرایش نخل نمی توان برآود. حلقه سنبل به هیچ پیچ و تابی دائره گل نمی بندد و ریشه گل از هیچ راهی به سلسله سنبل نمی پیوندد. رباعی:

گل گر همه گوش شده، شنیدن ها کو؟      یا آینه چشم گشت، دیدن ها کو؟  
کسی دگر و جوهر ذاتی دگر است      گر ابله پا یافت دویدن ها کو؟

جمعی درس معارف و سلوک می گویند و بویی از معنی شفقت بر دماغ ایشان دیده است. نسخه از عالم اخلاق نوشته اند، و مدّ احسانی از کلک استعدادشان نبالیده. شخص بی علم و فضل را اگر موصوف به حقیقت کرم دریایی، بی ساخته آینه فضل معانی بایدش فهمید و صاحب کسب کمال را اگر منسوب آثار بخل مشاهده نمایی، شبهه معلم درسگاه شیطانی باید اندیشید. علم در مزاج خسیس جز بر قوت خست افزایش و فضل در طبع لئیم غیر از جام امساک نمی پیماید... حضرت حق جلّ و علا پیغامبر ما را صلی الله علیه و سلم به صفت عالم و عارف نستود بلکه به خلق عظیم ایش فرمود. پس خلق از معرفت افضل است و کریم از عارف اکمل. این جا جوهر بی منظور است نه عوارض کسی علم و شعور. اگر طبیعت از لذت جود غافل است، جهد ایثار کوش شاید بخل عارضی باشد، و اگر به احسان مایل است، از فرونی شکر حق امداد خواه، مبدا دامن همت خار غفلتی بخرشد. (ص ۸-۱۹۷)

در جمله اول عبارت فوق کلمات «اخلاق» و «اشفاق» سجع متوازن را حاکی اند و در این سجع اسجاع دیگر و مناسبات لفظی دیگر را در این عبارت می توان ملاحظه کرد و سبک معمولی نثر بیدل همین گونه است. او نثر را با سایر لوازم ادبی و شعری خوردار می سازد. مثالی دیگر از آغاز رساله چهار عنصر نقل می نمایم که حاوی حمد خداست:

«خداوندا، زبان معذور بی صرفه سرایی است. عذر هرزه درایان بپذیر و بیان مجبور آشفته نوایی است بر غفلت کلامان خرده مگیر. گستگی های عنان نفس ناگزیر خیال تازی است بسملی پرافشانده باشد، پریشانی های مغز اندیشه بی اختیار هوس تازی است. غباری دامن هوایی می خراشد. بی مقصدی جولان اشک سرمنزول تعجب نمایی است و بی مدّعیایی پرواز رنگ آشیان حیرت سرایی. فرد:

می‌گویم و حیرانم، می‌پویم و گریانم حرفی که نمی‌فهمم راهی که نمی‌دانم  
 نه دریایی تا به‌غواصی فکر از تو گوهری برآرند و نه آسمانی که به‌قوت نظر  
 ستاره‌هایت شمارند. رنگی نه بسته‌ای تارت دانند. پرتوی بیرون نداده‌ای تا  
 آفتاب خوانند. سینه‌چاکی‌های بهار ادراک از شکسته بالان تصویر این رنگ  
 است و داغ فروشی‌های آفتاب فطرت از خاکسترنشینان شعله این نیرنگ. قطعه:  
 بحر بیتاب که آن گوهر نایاب کجاست؟

چرخ سرگشته که خورشید جهانتاب کجاست؟

دیر از غصه در آتش که چه رنگست صنم

کعبه زین درد سیه‌پوش که محراب کجاست

ای سمندر به‌هوس داغ فروش آتش کو

ماهیان تشنه بمیرید، دم آب کجاست“

### منابع

۱. اختر، عبدالله: *بیدل، ادارهٔ ثقافت اسلامی، لاهور، چاپ دوم ۱۹۶۱ م.*
۲. *بیدل دهلوی، میرزا عبدالقادر: دیوان بیدل دهلوی، به‌اهتمام حسین آمی، انتشارات فروغ تهران، ۱۳۶۸ ه.ش.*
۳. *بیدل عظیم‌آبادی، میرزا عبدالقادر: چهار عنصر، مطبوعه نولکشور.*
۴. *بیدل عظیم‌آبادی، میرزا عبدالقادر: کلیات بیدل عظیم‌آبادی، مرکز تحقیقات فارسی ایران پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۳۹۸ هجری.*
۵. *سرشک کدکنی، دکتر محمد رضا شفیعی: شاعر آینه‌ها (بررسی سبک هندی و شعر بیدل انتشارات آگاه، تهران، چاپ چهارم ۱۳۷۶ ه.ش.*
۶. *عبدالغنی، دکتر: روح بیدل، مجلس ترقی ادب، لاهور، جولایی ۱۹۶۸ م.*